



پند و عبرت

عبرت‌ها به وسعت دنیا گسترده است. هر پدیده، آیه‌ای از [آیة الهی](#) است و پیامی دربر دارد. هر کس دیده‌ای عبرت‌بین داشته باشد، می‌تواند از لابه‌لای پدیده‌ها، پیام‌ها را دریابد. برای آگاهی و [بیداری](#) انسان هشدارها داده شده است و عبرت‌ها بی‌پرده و [آشکار](#) رخ نموده‌اند. به فرموده [امیر المؤمنین \(علیه‌السلام\)](#)، اگر انسان چشم باز کند و ببیند، وسایل بینایی او فراهم است، و اگر گوش شنوا داشته باشد، سخنان [حق](#) گفته شده است و اگر اهل [هدایت](#) باشد، وسایل [هدایت](#) فراهم است.

فهرست مندرجات

- ۱ - مصداق‌های پند و عبرت
 - ۱.۱ - عبرت از گذشتگان
 - ۱.۲ - عبرت از پیشینیان
 - ۱.۳ - نظر به همه چیز با دیده عبرت
 - ۱.۴ - نصیحت‌کننده‌های عالی
 - ۱.۵ - عبرت گرفتن
 - ۱.۶ - داشتن چشم بینا و گوش شنوا
 - ۱.۷ - گردن در گرو سخن
 - ۱.۸ - مواظب‌امیر
 - ۱.۹ - سومندترین داستان
 - ۱.۱۰ - رحمت خدا بر عبرت‌گیران
 - ۱.۱۱ - عبرت گرفتن از گذشتگان
 - ۱.۱۲ - عالم بی‌عمل
 - ۱.۱۳ - عبرت‌ها بسیار، عبرت گرفتن اندک
 - ۱.۱۴ - عبرت از گذشته
 - ۱.۱۵ - رابطه حکمت و عبرت
 - ۱.۱۶ - عبرت گرفتن از گذشته
 - ۱.۱۷ - درس گرفتن از عبرت‌ها
 - ۱.۱۸ - امام مایه عبرت
 - ۱.۱۹ - آسایش در همسایگی خداوند
 - ۱.۲۰ - پند از جدایی
 - ۱.۲۱ - پند از حوادث
 - ۱.۲۲ - عبرت از آرامش ابدی
 - ۱.۲۳ - پذیرفتن پند
 - ۱.۲۴ - فروغ و اعظ
 - ۱.۲۵ - پند خداوندی
 - ۱.۲۶ - رابطه مثل یا دلیل
 - ۱.۲۷ - پند از عاقبت زندگی دیگران
 - ۱.۲۸ - سنجیدن نفس‌ها
 - ۱.۲۹ - نافرمانی و حسرت
 - ۱.۳۰ - نفع از تجارت
 - ۱.۳۱ - نگرش مؤمن به دنیا
 - ۱.۳۲ - تعلیم خردمند
 - ۱.۳۳ - بندگی پندناپذیر
 - ۱.۳۴ - پرده غرور
 - ۱.۳۵ - ناشنوائی حقیقی
 - ۱.۳۶ - زنده‌کننده قلب
 - ۱.۳۷ - پند با مردم
 - ۱.۳۸ - ناصح دلسوز
 - ۱.۳۹ - دیده عبرت
 - ۱.۴۰ - موفقیت و تجربه
 - ۱.۴۱ - پند از تجربه‌ها
 - ۱.۴۲ - بهره‌مندی از تجربه
 - ۱.۴۳ - زبانیسته بهتر که گویا به شر
 - ۱.۴۴ - خیر خواه واقعی
 - ۱.۴۵ - جایگاه تنگ و پندگیری
 - ۱.۴۶ - نگاه مؤمن به دنیا
 - ۱.۴۷ - بهترین تجربه‌ها
 - ۱.۴۸ - آیین عبرت
 - ۱.۴۹ - صدق گفتار دنیا
 - ۱.۵۰ - سفارش امام به فرزانش
 - ۱.۵۱ - عوامل عبرت‌آموز

۲ - پانویس

۳ - منبع

مصداق‌های پند و عبرت

حضرت علی (علیه‌السلام) در نهج البلاغه به تفصیل به مسئله پند و عبرت پرداخته‌اند، که در ادامه آن را بررسی می‌کنیم.

← عبرت از گذشتگان

«اتعظوا بمن کان قبلاکم، قبل ان یتعظ بکم من بعدکم؛

[۱۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۱، خطبه ۳۲.
از آنان که پیش از شما در گذشته‌اند، پند بگیرید، پیش از آن که پس از شما خواهند آمد از شما پند گیرند».

← عبرت از پیشینیان

«اعتبروا بحال ولد اسماعیل و بنی اسحاق و بنی اسرائیل (علیه السلام) فما اشد اعتدال الاحوال، و اقرب اشتباه الامثال؛

[۱۲] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۰۰، خطبه ۱۹۲.
تجربه و عبرت بیندوزید از حال فرزندان اسماعیل و اسحاق و اسرار (علیهم السلام) که احوال شما به احوال آنان سخت متناسب است و چه شبیه به یکدیگر است مثل‌ها (امثال صفات شما با آنان)».

← نظر به همه چیز با دیده عبرت

از دیده عبرت کن هان!

«انما ينظر المؤمن من الی الدنيا بعین الاعتبار؛

[۱۳] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۷، حکمت ۳۷۲.
مؤمن در این جهان (به همه چیز) با دیده عبرت نظر می‌کند».

← نصیحت‌کننده‌ای عالی

«الاعتبار منذر ناصح؛

[۱۴] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۷۱، حکمت ۳۶۵.
عبرت گرفتن (از حوادث) ترساننده بسیار ناصحی است».

← عبرت گرفتن

عبرت بگیرید!

«اعتبروا بما اصاب الامم المستکبرین من قبلکم من بلس الله و صولاته، و وقائعه و مثلاته؛

[۱۵] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۹۶، خطبه ۱۹۲.
عبرت بگیرید و تجربه بیاندوزید از آنچه که پیش از شما [[متکبران]] امت‌ها را گرفتار ساخت، از غضب خداوندی و حملات و عذاب‌ها و کیفرهای سخت او».

← داشتن چشم بینا و گوش شنوا

چشم بینا و گوش شنوا داشته باشید!

«لقد بصرتم ان ابصرتم، و اسمعتم ان سمعتم؛

[۱۶] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۰، خطبه ۲۰.
اگر شما می‌خواستید دیده بگشایید و واقعیات را ببینید، و سایل بینایی در اختیار شما گذاشته شده است و اگر می‌خواستید گوش باز کنید و واقعیات را بشنوید، شنیدنی‌هایی که واقعیات را با گوش شما آشنا بسازد، طنین‌انداز گشته است».

← گردن در گرو سخن

«ذمتی بما اقول رهینة و انا به زعیم. ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثالات حجزته التقوی عن تقحم الشبهات؛

[۱۷] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷، خطبه ۱۶.
ذمه و پیمان من در گرو آن چیزی است که می‌گویم و من صدق گفتار و حق بودن آن را بر عهده می‌گیرم، همانا کسی که امور عبرت‌آور و پندآموز از قبیل عقوبت‌ها و کیفرهایی که به مردمانی که در برابر روی او قرار داشته‌اند فرود آمده و در نتیجه آن به خاک منلت نشسته‌اند. (این امور) برای او روشن سلخته باشد که آن عقوبت‌ها و کیفرها در نتیجه ستمگری و ارتکاب اعمال زشت بوده روح پرهیزکاری (که در اثر عبرت‌آموزی در وی پدید می‌آید) از هجوم آوردن امور شبهه‌ناک به طرف او جلوگیری می‌کند».

← مواظب امیر

«فی ذم اصحابه: اتلو علیکم الحکم فتفترون منها، و اعظکم بالموعظة البالغة فتقرقون عنها، و احثکم علی جهاد اهل البغی فما آتی علی اخر قولی حتی اراکم متفرقین ایادی سبا ترجعون الی مجالسکم؛

[۱۸] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۸۵، خطبه ۹۷.

درباره **اصحاب** خود فرمودند: حکمت‌ها را برای شما می‌خوانم از آنها می‌گریزید! و با پند رسا شما را **موعظه** می‌نمایم (بدون این که در شما تاثیر کند) هر یک راه خود را می‌گیرید و پراکنده می‌شوید و شما را برای **جهاد** با طغیانگران تحریک می‌کنم، شما را می‌بینم که سختم به پایان نرسیده؛ مانند فرزندان سبا پراکنده می‌شوید و به مجالس خود برمی‌گردید».

← سوومندترین داستان

«تدبروا احوال الماضین من المومنین قبلکم، کیف کانوا فی حال التمحص و البلا... فانظروا کیف کانوا حیث کانت الاملا مجتمعة، و الاھوا متولقة... فانظروا الی ما صاروا الیه فی آخر اموارهم حین وقعت الفرقة، و تشتتت الالفه، و اختلفت الکلمة و الافئدة و تشعبوا مختلفین، و تفرموا متحازبین، قد خلع الله عنهم لباس کرامته، و سلبهم غضارة نعمته و بقی قصص اخبارهم فیکم عبرا للمعتبرین؛

[۱۹] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۹۹، خطبه ۱۹۲.

بیاندهید در حالات مردمان با **ایمان** که پیش از شما از این **دنیا** گذشته‌اند که چگونه زندگی را در حال تصیفه و ابتلا سپری کردند، پس بنگرید و به وضع آنان تا آن‌گاه که مردمشان اجتماع داشتند و تمایلاتشان با هم بود. حال بنگرید به سرنوشت آنان در آخر کارشان. در آن هنگام که جدایی میان آنان افتاد و **انس** و الفت به پراکندگی تبدیل گشت و **اختلاف** کلمه و اختلاف دل‌ها وارد جمع آنان گشت و در نتیجه به تیره‌های مختلف **تقسیم** شدند و در حال ستیز مگری با یکدیگر پراکنده شدند، خداوند لباس کرامتش را از پیکرشان بیرون آورد و فراوانی نعمتش را از آنان سلب نمود. حال داستان‌های اخبار آنان در میان شما برای عبرت‌گیری انسان‌های پندآموز مانده است».

← رحمت خدا بر عبرت‌گیران

«رحم الله امرأ تفکر فاعتبر، و اعتبر فابصر؛

[۲۰] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۹۰، خطبه ۱۰۳.

رحمت خدا بر آن کس که اندیشید و **عبرت** آموخت و پند گرفت و بینش یافت».

← عبرت گرفتن از گذشتگان

«ان لکم فی القرون السالفة لعبرة! ابن العماقمة و ابناه العماقمة! ابن الفراعنة و ابنا الفراعنة! ابن اصحاب مدائن الرس الذین قتلوا النبیین، و اطفاوا سنن المرسلین، و احیوا سنن الجبارین!؛

[۲۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷۶، خطبه ۱۸۲.

ای مردم! عبرت‌گیری و **تجربه** از قرون گذشته بر شماست کجا رفتند **عماققه** و فرزندان عماققه! کجا هستند گردانندگان شهرهای رس که پیامبران را کشتند و سنت‌های **پیامبران** را خاموش و بدعت‌های **جباران** را زنده ساختند».

← عالم بی عمل

«لا تکن ممن یرجو الاخرة بغير العمل... یصف العبرة و لا یعتبر، و یربالغ فی الموعظة و لا یتعظ؛

[۲۲] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۰، حکمت ۱۵۰.

از کسانی مبلش که بدون کار، به **آخرت چشم امید** دوخته است. عبرت‌ها را بیان می‌کند؛ اما خود از آن‌ها درس نمی‌گیرد، در اندرز دادن به دیگران می‌کوشد، لیکن خود پند نمی‌آموزد».

← عبرت‌ها بسیار، عبرت گرفتن انک

«ما اکثر العبر و اقل الاعتبار!؛

[۲۳] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۳، حکمت ۲۹۷.

چه فراوان است و سبیل عبرت گرفتن و چه انک است بهر مرداری از این وسایل برای عبرت‌گیری».

← عبرت از گذشته

«من کتابه الی الحارث الهمدانی: صدق بما سلف من الحق، و اعتبر بما مضی من الدنيا ما بقی منها؛ فل بعضها یشبه بعضا، و آخرها لا حق باولها! و کلها حائل مفارق؛

[۲۴] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۱۲، نامه ۶۹.

در نامه‌ای **امام علی (علیه السلام)** به **حارث همدانی** فرمودند: آنچه را **قرآن** از حوادث گذشته بیان داشته بپذیر و از گذشته‌ها برای آینده پند بگیر، زیرا دنیا (از نظر حوادث) گذشته و آینده، این گوشه و آن گوشه آن مثل هم است و پایان آن در ردیف گذشته‌ها در جریان است و همه دنیا در حال انتقال و جدایی است.

← رابطه حکمت و عبرت

«من تبینت له الحکمة عرف العبرة، و من عرف العبرة فکانما کلن فی الاولین؛

[۲۵] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۲، حکمت ۳۱.

هر کس **حکمت** بر او ظاهر شود، عبرت را شناسد، و هر کس عبرت را شناسد، گویی از اولین روزگاران تاکنون بوده است».

← عبرت گرفتن از گذشته

«لو اعتبرت بما مضى حفظت ما بقى»؛

[۱۶۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۸۸، نامه ۴۹.

امام (علیه السلام) در نامه‌ای خطاب به معاویه فرمود: اگر از حوادث گذشته پند گرفته بودی، نسبت به آنچه باقی مانده است، خود را حفظ می‌کردی».

← درس گرفتن از عبرت‌ها

«اتعظوا عباد الله بالعبر النوافع، و اعتبروا بالای السواطع، و از دجروا بالنذر البوالغ؛

[۱۷۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۶۶، خطبه ۸۵.

ای بندگان خدا! از عبرت‌های نافع پند بگیرید و از آیت روشن الهی عبرت بیندوزید و تهدیدهای رسا و بالغ ممنوعیت (از پلیدی‌ها) را بپذیرید».

← امام مایه عبرت

«قبل شهادته (علیه السلام) سبیل الوصیة: انا بالامس صاحبکم، و انا الیوم عبرة لکم، و غذا مفارقکم!»؛

[۱۸۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۵۷، نامه ۲۳.

امام (علیه السلام) پیش از شهادتش در بستر چنین فرمود: من دیروز در میان شما بودم و امروز مایه پند شما و فردا از میان شما خواهم رفت».

← آسایش در همسایگی خداوند

«ایها الناس! انه من استنصح الله وفق، و من اتخذ قوله دلیلا هدی (للتی هی اقوم) فن جار الله آمن، و عوه خائف؛

[۱۹۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۳۶، خطبه ۱۴۷.

ای مردم! کسی که از خدا پند و خیر خویش را مسئلت نماید، موفق گردد و هر کسی که کلام خدا را برای خود رانما اتخاذ کند، به آن طریقه‌ای که محکم‌تر و راست‌تر است، هدایت شود؛ زیرا کسی که به همسایگی خدا نایل گردد در امن و آسایش غوطه‌ور شود و کسی که با او از در خصومت درآید ترسان و هراسناک گردد».

← پند از جدایی

«اعتبروا بنزولکم منازل من کل قبلکم، و انقطاعکم عن اوصل اخوانکم؛

[۲۰۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۱۰، خطبه ۱۴۷.

عبرت بگیرید از این که در منزل‌لگاه‌های اقوام و ملل پیش از خود فرود آمده‌اید و منزل کرده‌اید و عبرت بگیرید از این‌که از نزدیکترین برادران خود منقطع خواهید گشت».

← پند از حوادث

«ان من صرحت له العبر عما بین یدیه من المثالات حجتة التقوی عن تقم الشبهات؛

[۲۱۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷، خطبه ۱۶.

کسی که از حوادث و پی‌آمدهای بد آن خوب پند و نصیحت گیرد، تقوا و پرهیزکاری او از فرو رفتن در کارهای گنگ و مبهم باز می‌دارد».

← عبرت از آرامش ابدی

«قبل شهادته (علیه السلام) ليعظکم هدی، و خوفت اطراقی، و سکون اطراقی، فانه اعط للمعتبرین من المنطق البلیغ و القول المسموع؛

[۲۲۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۳۷، خطبه ۱۴۹.

قبل از شهادتش فرمودند: باشد که آرامش (ابدی) و از حزکت افتادن چشمان و سکون اعضای بدن پندی برای شما باشد؛ زیرا موعظه این آرامش و بی‌اراده افتادن برای کسانی که بخواهند عبرت بگیرند، از سخن و منطق رسا و گفتار شنیدنی مؤثرتر است».

← پذیرفتن پند

«اتعظوا بالعبر، و اعتبروا بالغير، و انتفعوا بالنذر؛

[۲۳۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۴۸، خطبه ۱۵۷.

پند پندندگان را بپذیرید و از نگرگونی‌های روزگار اندرز بگیرید و از ترسانندگان قیامت بهر میب باشد».

← فروغ واعظ

«اینها الناس! استصبحوا من شعله مصباح واعظ متعظ، و امتلحوا من صفو عین قد روقت من الکر؛
[۲۴] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۹۳، خطبه ۱۰۵.
ای مردم! از شعله چراغ و اعظی که خود و عطفش را پذیرفته است فروغ بگیرید و از آب زلال چشمه‌ای بکشید که از تیرگی تصفیه شده باشد».

← پند خداوندی

«ان الله سبحانه لم يعظ احدا بمثل هذا القرآن؛
[۲۵] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.
قطعی است که خداوند سبحان هیچ کسی را پندی مانند مواعظی که در قرآن آورده نداده است».

← رابطه مثل با دلیل

هر مثلی دلیلی است

«اعقل ذلك فان المثل دليل على شبهه؛
[۲۶] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۴۲، خطبه ۱۵۳.
تعقل کن این پند را؛ زیرا هر مثلی دلیلی است برای مثل و شبیه خود».

← پند از عاقبت زندگی دیگران

«اعتظوا فيها (ای فی الدنيا) بالذین قالوا: (من اشد منا قوة). حملوا الی قبور هم فلا يدعون ركبانا، و انزلوا الاجداث فلا يدعون ضیفانا؛
[۲۷] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۰۳، خطبه ۱۱۱.
پند بگیرید از (عاقبت زندگی) آنان که گفتند: (کیست از ما نیرومندتر) آنان به گورهای خود برده شدند، بدون این‌که در حالت سواری دعوت شوند و به قبرها فرود آمدند، بدون این‌که مهمان خوانده شوند».

← سنجیدن نفس‌ها

«اعلموا! انه من لم يعن على نفسه حتى يكون له منها واعظ و زاجر؛ لم يكن له من غيرها لا زاجر و لا واعظ؛
[۲۸] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۷۲، خطبه ۹۰.
بدانید هر کسی که به خود اهمیتی ندهد (یا به خود یاری نکند) که از نفس خود واعظ و مانعی (از آلودگی‌ها) داشته باشد، برای او از غیر نفسش نه مانعی خواهد بود و نه پندهنده‌ای».

← نافرمانی و حسرت

«ان معصية الناصح الشفيق العالم المجرب تورث الحسرة، و تعقب الندامة؛
[۲۹] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴، خطبه ۳۵.
نافرمانی از دستور، پندهنده مهربان و دانشمند باتجربه، باعث حسرت می‌شود و پیشمانی به دنبال دارد».

← نفع از تجارت

«من لم ينفعه الله بالبلا و التجارب لم ينفع بشيء من العظة، و اتاه التفسير من امامه حتى يعرف ما انكر، و ينكر ما عرف؛
[۳۰] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.
کسی که خداوند به وسیله آزمایش و تجارب، نفعی به او نرساند، از هیچ اندرزی سود نمی‌برد و نتیجه تفسیر او از پیش رویش برآید تا بشناسد آنچه را که انکار کرده بود و انکار کند آنچه را که شناخته بود».

← نگرش مؤمن به دنیا

«انما ينظر المؤمن الى الدنيا بعين الاعتبار، و يقتل منها بطن الاضطرار، و يسمع فيها بلن المقوت و الابغاض؛
[۳۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۷۲، حکمت ۳۶۷.
مؤمن به دنیا تنها به دیده عبرت می‌نگرد و از روی نلجاری از آن قوت خود را برمی‌گیرد و با گوش خشم و نفرت به آن گوش می‌دهد».

«فی وصیته لابنه الحسن (علیه السلام): لا تكون ممن لا تنفعه العظة الا اذا بالغت في ايلامه، فان العاقل يتعظ بالاداب، و البهائم لا تتعظ الا بالضرب؛ [\[۳۲۱\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۷۴، نامه ۳۱. در وصیت به پسرش حسن بن علی (علیه السلام) می‌فرماید: هرگز از آن مردم مباش که پند به او سودی نمی‌دهد، مگر این‌که او را شدیداً به درد بیاورد؛ زیرا خردمند با **تعلیم** و تربیت‌های سازنده پند می‌گیرد، در صورتی که **حیوانت** با زدن پند می‌پذیرند».

← پندگوی پندناپذیر

«لا تكن ممن... يبالغ في الموظة و لا يتعظ؛ فهو بالقول مدل، و من العمل مقل، ينافس فيما يفنى، و يسامح فيما يبقي، يرى الغنم مغرماً و الغرم مغمماً؛ [\[۳۲۲\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۱، حکمت ۱۵۰. از مردمی مباش که در پند دادن به مردم زیاده‌روی می‌کند؛ ولی خود پندی را نمی‌پذیرد او در گفتار بسیار گو و در **عمل** آنک کردار است. درباره آنچه که فانی است به **رقابت** می‌پردازد و درباره آنچه پایدار است سهل‌انگار است، **غنیمت** را ضرر و ضرر را غنیمت حساب می‌کند».

← پرده غرور

«بینکم و بن الموظة حجاب من الغرة؛ [\[۳۲۳\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۶۱، حکمت ۲۸۲. میان شما و **موظّه** پرده‌ای است از **غرور** و **غفلت**».

← ناشنوی حقیقی

«دعيتم الى الامر الواضح. فلا يصم عن ذلك الا اصم، و لا يعي عن ذلك الا اعمى؛ [\[۳۲۴\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶. شما به یک امر روشن **دعوت** شده‌اید، پس ناشنوی حقیقی کسی است که آن نصایح را نشنود و نابینای واقعی کسی است که خود را از بینایی به آن حقایق **تجربه** شده و نصایح محروم بسازد».

← زنده‌کننده قلب

«فی وصیته (علیه السلام) لابنه و هو يعظه: احى قلبك بالموظة؛ [\[۳۲۵\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۶۷، نامه ۳۱. در وصیت به فرزندش (حسن بن علی (علیه السلام)) او را موعظه می‌کند، قلبت را با موعظه زنده بدار!».

← پند با مردم

«انتفعوا ببين الله، و اتعظوا بمواظ الله، و اقبلوا نصيحة الله؛ [\[۳۲۶\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۶۸، خطبه ۱۷۶. از بین خداوندی بهره بردارید و مواظ الهی را قبول کنید و خیرخواهی مقام ربوبی را بپذیرید».

← ناصح دلسوز

«الاعتبار منذر ناصح؛ [\[۳۲۷\]](#) امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۷۱، حکمت ۳۶۵. پند گرفتن، بیهنده‌های دلسوز است».

← دیده عبرت

«ان من صرحت له العبر عما بين يديه من المثالات حجزته التقوى عن تقحم الشبهات؛

[۳۹] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷، خطبه ۱۶.
کسی که از زین حوادث و مصیبت‌ها خوب پند بگیرد، پرهیزکاری او را از فرو رفتن در کارهای مبهم باز می‌دارد».

← موفقیت و تجربه

«من التوفیق حفظ التجربة.
[۴۰] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۷، حکمت ۲۱۱.

نگهداری **تجربه** بخشی از موفقیت است».

← پند از تجربه‌ها

«من لم ینفعه الله بالیلا و التجارب لم ینتفع بشیء من العظة؛
[۴۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.
آن که از گرفتاری‌ها و تجربه‌هایش سود نبرد، از هیچ پندی سود نخواهد برد».

← بهره مندی از تجربه

«فان الشقی من حرم نفع ما اوتی من العقل و التجربة؛
[۴۲] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۱۸، نامه ۷۸.
بدبخت کسی است که از **عقل** و تجربه‌ای که نصیب او شده، محروم ماند».

← زبان‌بسته بهتر که گویا به ش

«الكلام فی و ثاقک ما لم تتکم به؛ فاذا تکلمت به صرت وثاقه، فالخزن لسانک كما تخزن ذهبک و ورقک: فرب کلمة سلبت نعمة وجلبت نعمة؛
[۴۳] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۳۷، حکمت ۳۸۱.
سخن در گرو (در بند) توست، مادامی که آن را نگفته باشی، وقتی که آن سخن را ابراز کردی، تو در گرو آن خواهی بود. پس زیانت را محفوظ بدار؛ همان‌گونه که **طلا** و نقره‌ات را؛ زیرا چه‌بسا سخنی که نعمتی را سلب کند و نعمتی را جلب نماید».

← خیرخواه واقعی

«ربما نصح غیر الناصح، و غش المستنصح؛
[۴۴] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۷۳، نامه ۳۱.
بسا نصیحت‌گری که ناصح نیست و **خیانت** کند کسی که خیرخواه تلقی شده است».

← جایگاه تذکر و پندگیری

«ان الدنيا... دار موعظة لمن انعط بها... ذکر تهم الدنيا فتتکروا، وحدثتهم فصدقوا، و عظمتهم فاتعظوا؛
[۴۵] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۳۷، حکمت ۱۳۱.
همانا **دینا** جایگاه پندگیری است، برای کسی که از آن **نصیحت** پذیرفت، دنیا **تذکر** داد، آنان نیز پزیرفتند و سخن گفت، تصدیق کردند و پند داد، آنان قبول کردند».

← نگاه مؤمن به دنیا

«ینظر المؤمن الی الدنيا بعین الاعتبار، و یقتل منها بیطن الاضطرار؛
[۴۶] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۷، حکمت ۳۷۲.
انسان با ایمان به این دنیا به **چشم** عبرت و **تجربه** می‌نگرد و از توشه به اندازه سیر شدن شکم یک **مضطرب** بهره‌مند می‌گردد».

← بهترین تجربه‌ها

«العقل حفظ التجارب، و خیر ما جربت ما و عظک؛

[۴۷] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۷۳، نامه ۳۱. [عقل](#)، نگهداری تجربه‌هاست. بهترین تجربه‌ها آن است که به تو پند دهد».

← آینه عبرت

«من ابصر بها بصرته، و من ابصر اليها اعتمه؛

[۴۸] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۵۹، خطبه ۸۲. هر که به وسیله [دنیا](#) نگاه کند (و آن را آینه عبرت سازد)، دنیا بینا بینش گرداند و هر که به دنیا بنگرد (و جز آن نبیند) دنیا کورش سازد (و وراى آن را نبیند)».

← صدق گفتار دنیا

«حقا قول: ما الدنيا غر تك، و لكن بها اغتررت، و لقد كاشفتك العظمت، و آذنتك على سوا، و لهي بما تعدك من نزول البلا بجمك و انقص في قوتك، اصدق و اوفى من ان تكذبك، او تغرك؛

[۴۹] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۳۳، خطبه ۲۲۳. به [حق](#) می‌گویم، دنیا تو را فریب نداد؛ بلکه تو فریفته آن شدی، دنیا (مایه‌های) بند و عبرت را بر تو [آشکار](#) سلخت و عادلانه و منصفانه تو را آگاه و در وعده‌هایی که به تو می‌دهد، از قبیل بالای جسمانی و کم شدن نیرو و توانایی تو راستگوتر است و باوفادارتر از آن که به تو [دروغ](#) بگوید یا فریب دهد».

← سفارش امام به فرزندش

«قال في وصيته لابنه الحسن (عليه السلام)) و امحض اخاك النصيحة، حسنة كانت او قبيحة؛

[۵۰] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۷۳، نامه ۳۱. (در وصیت به فرزندش [امام حسن \(علیه السلام\)](#) فرمود): [نصیحت](#) نیکت را برای برادرت مهیا ساز، خواه پند تو ([تشویق](#) به کار) نیک باشد یا (پرهیز از کار) بد».

← عوامل عبرت‌آموز

«ان الامور اذا اشتبهت، اعتبر آخرها باولها؛

[۵۱] امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۷، حکمت ۷۶. به راستی، کارها، چون مشتبه گردند و [انسان](#) در سود و زین و آثار و نتایج آن، دچار [ابهام](#) و سرگردانی شود، انجام آن با آغازش، سنجیده می‌گردد».

پانویس

۱. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۱، خطبه ۳۲.
۲. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۰۰، خطبه ۱۹۲.
۳. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۷، حکمت ۳۷۲.
۴. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۷۱، حکمت ۳۶۵.
۵. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۹۶، خطبه ۱۹۲.
۶. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۰، خطبه ۲۰.
۷. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷، خطبه ۱۶.
۸. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۸۵، خطبه ۹۷.
۹. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۹۹، خطبه ۱۹۲.
۱۰. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۹۰، خطبه ۱۰۳.
۱۱. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۱۷۶، خطبه ۱۸۲.
۱۲. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۴۰، حکمت ۱۵۰.
۱۳. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۶۳، حکمت ۲۹۷.
۱۴. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۱۲، نامه ۶۹.
۱۵. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۳۲۲، حکمت ۳۱.
۱۶. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۸۸، نامه ۴۹.
۱۷. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۶۶، خطبه ۸۵.
۱۸. ↑ امام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه، ص ۲۵۷، نامه ۲۳.

۱۹. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۳۶، خطبه ۱۴۷.](#)
۲۰. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۱۰، خطبه ۱۴۷.](#)
۲۱. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۷، خطبه ۱۶.](#)
۲۲. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۳۷، خطبه ۱۴۹.](#)
۲۳. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۴۸، خطبه ۱۵۷.](#)
۲۴. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۹۳، خطبه ۱۰۵.](#)
۲۵. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.](#)
۲۶. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۴۲، خطبه ۱۵۳.](#)
۲۷. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۰۳، خطبه ۱۱۱.](#)
۲۸. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۷۲، خطبه ۹۰.](#)
۲۹. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴، خطبه ۳۵.](#)
۳۰. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.](#)
۳۱. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۷۲، حکمت ۳۶۷.](#)
۳۲. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۷۴، نامه ۳۱.](#)
۳۳. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۱، حکمت ۱۵۰.](#)
۳۴. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۶۱، حکمت ۲۸۲.](#)
۳۵. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.](#)
۳۶. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۶۷، نامه ۳۱.](#)
۳۷. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۶۸، خطبه ۱۷۶.](#)
۳۸. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۷۱، حکمت ۳۶۵.](#)
۳۹. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۷، خطبه ۱۶.](#)
۴۰. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۴۷، حکمت ۲۱۱.](#)
۴۱. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۱۷۰، خطبه ۱۷۶.](#)
۴۲. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۱۸، نامه ۷۸.](#)
۴۳. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۳۷، حکمت ۳۸۱.](#)
۴۴. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۷۳، نامه ۳۱.](#)
۴۵. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۳۷، حکمت ۱۳۱.](#)
۴۶. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۲۷، حکمت ۳۷۲.](#)
۴۷. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۷۳، نامه ۳۱.](#)
۴۸. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۵۹، خطبه ۸۲.](#)
۴۹. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۳۳، خطبه ۲۲۳.](#)
۵۰. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۲۷۳، نامه ۳۱.](#)
۵۱. [↑ امام علی \(علیه‌السلام\)، نهج البلاغه، ص ۳۲۷، حکمت ۷۶.](#)

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «بند و عبرت»، تاریخ بازیابی ۱۳۹۴/۱۱/۲۰.